



کتاب «فصوص» فارابی را می‌توان تفسیر قرآن قلمداد کرد

عضو هیئت علمی دانشگاه بهشتی با بیان این‌که کتاب «فصوص» فارابی از چند فصل تشکیل می‌شود که فارابی در بیشتر فصول به آیات قرآن کریم تمسک می‌جوید، اظهار کرد: به عبارتی دیگر، این کتاب تفسیر قرآن کریم است و می‌توان نام این کتاب را تفسیر قرآن نامید.

عضو هیئت علمی دانشگاه بهشتی با بیان این‌که کتاب «فصوص» فارابی از چند فصل تشکیل می‌شود که فارابی در بیشتر فصول به آیات قرآن کریم تمسک می‌جوید، اظهار کرد: به عبارتی دیگر، این کتاب تفسیر قرآن کریم است و می‌توان نام این کتاب را تفسیر قرآن نامید.

آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد، عضو هیئت علمی دانشگاه بهشتی به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد، عضو هیئت علمی دانشگاه بهشتی، در نشست اول همایش «فصوص» فارابی و تأسیس فلسفه اسلامی» که امروز، چهارشنبه، 6 بهمن‌ماه، در سالن صدرالمآلهین بنیاد حکمت اسلامی صدرآغاز به کار کرده است، به ایراد سخنرانی با موضوع «فصوص» فارابی پرداخت.

وی با بیان این‌که در خصوص کتاب «فصوص» اقوال مختلفی مطرح است، تصریح کرد: برخی آن را منسوب به فارابی می‌دانند برخی نه. این پرسش همیشه مطرح است که آیا او این کتاب را او نوشته یا خیر؟ هر دو قول طرفدارانی دارد که برخی از جهت فلسفی و برخی هم از جهت نسخه‌شناسی نظرات مختلفی را بیان می‌کنند.

عضو هیئت علمی دانشگاه بهشتی ادامه داد: به جهت عدم آشنایی بنده با نسخه‌شناسی به این جنبه نمی‌پردازم. اما آنچه مسلم است، ملاصدرا در چندین اثر خود از این کتاب به عنوان نوشته فارابی نام برده است، اما در مورد این‌که این کتاب از اوست به سختی می‌توان صحبت کرد. این کتاب از چند فصل تشکیل می‌شود که فارابی در بیشتر فصول به آیات قرآن کریم تمسک می‌جوید.

وی بیان کرد: به نظر می‌رسد ملاصدرا از این روش فارابی در آثار خود استفاده کرده است. کتاب فصوص در بیشتر فصل‌ها تکیه به آیات قرآن کریم می‌کند و به تفسیر این آیات می‌پردازد؛ به عبارتی دیگر این کتاب تفسیر قرآن کریم است و می‌توان نام این کتاب را تفسیر قرآن نامید.

این پژوهشگر فلسفه افزود: فارابی در فصل سی‌ام می‌نویسد «فصوص» آسمان با دُورانش نماز می‌گذارد و زمین با رجحانش (رجحان)؛ و باران با بارش تسبیح‌گوی هستند». کلمه نماز در این کتاب قطعاً از قرآن گرفته است. در قرآن نماز و سجده و رکوع به کرار به موجودات متفکر نسبت داده شده است. پس نسبت نماز و تسبیح به آسمان و زمین به جهت این است برای این‌ها شعور قائل هستند. نکته قابل توجه این است که ملائک به نماز و تسبیح نسبت داده نشده است، بلکه صرفاً صلوات را نسبت داده شده است.

آیت‌الله محقق داماد تصریح کرد: فارابی به عنوان حکیم باید توجیه نماز خواندن آسمان و زمین را بیان کرده باشد؛ زیرا مصلی باید ذی‌شعور باشد. در حکمت مشاء این مسئله را با نظریه نفوس فلکی توجیه می‌کند و ابن سینا در نمط سوم «فصوص» اشارات و التنبیهات» برای فلك اثبات نفوس می‌کند و در نمط ششم به غایت افلاک که همان عشق وصول به بالا است، این مسئله را توجیه می‌کند؛ پس افلاک به جهت داشتن نفس ذی‌الشعور می‌توانند نماز و تسبیح بگویند.

وی بیان کرد: حکمت ملاصدرا با اعتقاد به نظر مشاء در این رابطه، تمام موجودات را به جهت وجودشان دارای شعور می‌داند، پس تسبیح‌گویی و صلاة را برای آن‌ها توجیه می‌کند. دلیل برای این امر به جهت اعتقاد اصالت وجود است.

آیت‌الله محقق داماد در پایان اظهار کرد: فارابی به عنوان يك فیلسوف که به تسبیح موجودات معتقد است و بین تسبیح انسان و دیگر موجودات تفاوت قائل است؛ زیرا معتقد است تسبیح و نماز انسان با حضور قلب صورت می‌گیرد، در حالی که در دیگر موجودات چنین حضور قلبی وجود ندارد.